



## Physiological Pathology of Migration and Mobility of Floating Population in Rural Settlements of Guilan Province

Teymour Amar<sup>1</sup>

Associate Professor of Geography and Rural Planning, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.

### Abstract

Migration is a dynamic process and the result of socio-economic changes, which can be separated and analyzed in terms of the common divisions of internal and international migrations. Internal migration is one of the main elements of changing demographic processes and the main mechanism of population distribution and redistribution. The flow of migration from cities to rural areas is a part of postmodern developments, which has economic-social-cultural, environmental and physical consequences. Existing studies and researches show that widespread and increasing migration to rural areas, physical complications such as "change In the ownership system, it will lead to "transformation in land use and the landscape of villages", "increase in the construction of second homes and the resulting physical chaos", "physical clutter", and "confusion in architecture and construction". This article investigates the physical damage caused by the migration and mobility of the floating population to the rural areas of Guilan province with a descriptive-analytical method based on documentary studies and field information collection and interviews with local experts and managers. The findings of this research showed that the agricultural levels Between the censuses of 1367 and 1390, the province has decreased by about 33%, which is undoubtedly the main reason for this is the request for land in the province and the change of its use. Construction has grown by 67% during the last decade (despite a 16% decrease in the rural population), which has resulted in numerous construction violations, while there is no reasonable balance between the province's population, resources, and infrastructure.

**Keywords:** Floating Population, Migration to the Village, Physical Consequences of Migration, Villages of Guilan Province

1. Corresponding Author: amar@iaurash.ac.ir



## آسیب‌شناسی کالبدی مهاجرت و تحرک جمعیت شناور در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان

تیمور آمار

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

### چکیده

مهاجرت فرآیندی پویا و نتیجه تغییرات اقتصادی-اجتماعی است که به لحاظ تقسیمات رایج در دو بخش مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی قابل تفکیک و بررسی است. مهاجرت داخلی از عناصر عمده تغییر فرآیندهای جمعیتی و مکانیزم اصلی توزیع و باز توزیع جمعیت بشمار می‌رود. جریان مهاجرت از شهرها بسمت نواحی روستایی بعنوان بخشی از تحولات پسامدرنیته است که پیامدهای اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی به همراه دارد. مطالعات و پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که مهاجرت گستره و روز افزون به نواحی روستایی، عوارض کالبدی مانند «تغییر در نظام مالکیت»، «تحول در کاربری زمین و چشم انداز روستاهما»، «افزایش ساخت خانه‌های دوم و آشتنگی کالبدی ناشی از آن»، «درهم ریختگی کالبدی»، و «آشتنگی در معماری و ساخت و ساز» بهمراه خواهد داشت. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و باستناد مطالعات استادی و جمع‌آوری اطلاعات میدانی و مصاحبه با کارشناسان و مدیران محلی به بررسی آسیب‌های کالبدی ناشی از مهاجرت و تحرک جمعیت شناور به نواحی روستایی استان گیلان می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که سطوح کشاورزی استان در فاصله سرشماری‌های سال ۶۷ تا ۹۰ حدود ۳۳ درصد کاهش داشته است که مسلماً از دلایل عerde این موضوع درخواست برای زمین در استان و تغییر کاربری آن است. مالکیت ۲۵ درصد از اراضی مولد استان در اختیار مالکین «غایب از ده» است. ساخت و ساز در طی دهه اخیر (علیرغم کاهش ۱۶ درصدی جمعیت روستایی) ۶۷ درصد رشد داشته که در پرتو آن تخلفات ساختمانی متعددی رخ داده است. ضمن اینکه بین جمعیت، منابع و زیرساخت‌های استان توازن منطقی برقرار نیست.

واژگان کلیدی: جمعیت شناور، مهاجرت به روستا، پیامدهای کالبدی مهاجرت، روستاهای استان گیلان



## مقدمه و طرح مسئله

مهاجرت و تحرک مکانی یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات دراز مدت و طولانی آثار سریع و کوتاه مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل یا عدم تعادل هایی را در جمعیت های تحت تاثیر خود به وجود بیاورد. در مطالعه مهاجرت و انواع آن، صاحب‌نظران جمعیتی به گونه‌هایی اشاره کرده و به طبقه‌بندی‌هایی دست زده‌اند. عده‌ای در بررسی‌های خود، از «مهاجرت‌های طبیعی یا عادی» و «بی‌رویه یا کنترل نشده» سخن به میان می‌آورند و منظور آنها از این مقوله‌ها از یک‌سو آن است که آیا مهاجرت افراد برنامه‌ریزی شده و منظم است یا بی‌برنامه و غیرمنظم، و از سوی دیگر اینکه آیا مهاجرت به عنوان یک پدیده عادی و بهنجار مطرح است یا به صورت یک مسئله غیرمتعارف و نابهنجار در نظر گرفته می‌شود. اشکال جغرافیایی جابجایی در قالب مهاجرتهای «درون سرزمینی» و «برون سرزمینی» قابل تفکیک است. مهاجرت‌های داخلی به تبع روند شکل‌گیری و تبعیت از جریان کلی و عمومی یا بر مبنای سیاست‌های جمعیتی و مهاجرتی و همچنین سیاست‌های تشویقی و بازدارنده از نقاط روستایی بسمت شهرها، یا بصورت معکوس از «شهرها بسمت روستاهای» شکل می‌گیرد. مضاراً اینکه مهاجرت از جنس «شهر به شهر» و «روستا به روستا» نیز در همین دسته بندهی قرار می‌گیرد. مهاجرت و تحرک جمعیت بسمت نواحی روستایی مانند سایر اشکال مهاجرت، مورد توجه قرار نگرفته است. چراکه علل مهاجرت روستا-شهری شناخته شده است در حالی که دلایل مهاجرت و تحرک بسمت نواحی روستایی هنوز بدرستی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته و بعنوان یک جریان نوظهور در جابجایی‌های درون سرزمینی مطرح است (آمار، ۱۴۰۰: ۱۲). جابجایی بسمت نواحی روستایی چه بواسطه بهره مندی از مزیتهای زندگی در این مناطق، و چه بدلیل علقوه‌های اجتماعی و فرهنگی و حتی بواسطه مزیتهای اقتصادی در حوزه کسب و کار بعنوان یک واقعیت انکارناپذیر در این جوامع ظهور کرده و استثناء جغرافیایی نیز ندارد. لیکن در استانهای شمالی از سابقه و حجم بیشتری برخوردار است. روستاهای استان گیلان بواسطه مزیتها و ویژگی‌های منحصر بفردی که دارند از قدیم‌الایام مورد توجه مهاجرین و ساکنان شهری بوده‌اند. سابقه گرایش به اسکان جمعیت در نواحی روستایی استان عمده‌تاً بواسطه نیازهای درونی استان و تقاضای جامعه شهری و همچنین تبعیت از تنوع اقلیمی (در فصول تابستان و زمستان) در قالب تابستان نشین و زمستان نشین بر می‌گردد. اما بتدریج بویژه در دو دهه اخیر موج تقاضا برای تملک زمین و بر پایی سکونتگاه موقت فراتر از مرزهای اداری-سیاسی استان رفته و مهاجرینی از سرتاسر کشور را روانه استان نمود. که بر اساس آخرین اطلاعات اخذ شده از مدیران روستاهاو جمع بنده آن ۱۸۰۴۶۷ نفر مهاجر در قالب ۶۱۵۹۷ خانوار احصاء شده اند (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان: ۱۳۹۹: ۱۵۴). بی‌تردید حضور روزافزون جمعیت شناور در استان و جابجایی پی در پی آنها تبعاتی را بهمراه خواهد داشت که از زوایای مختلف قابل بررسی است. این مقاله تلاش دارد تا از منظر کالبدی و در قالب عوارضی چون «تغییر در نظام مالکیت»، «تحول در کاربری زمین و چشم انداز روستاهای»، «افزایش ساخت خانه‌های دوم و آشقتگی کالبدی ناشی از آن»، «درهم ریختگی کالبدی»، و «آشقتگی در معماری و ساخت و ساز» به این مهم پرداخته و مصاديق آنرا بعلاوه راه‌کارهای مدیریت بر این آسیب‌ها ارایه نماید.

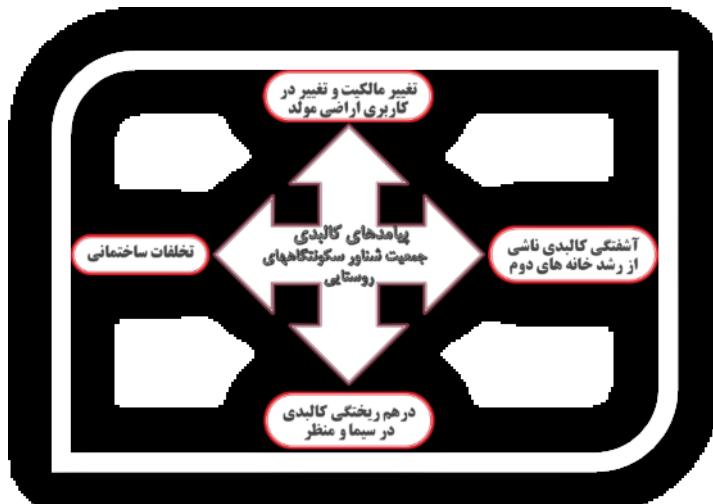


## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

جريان مدرنیزاسیون در فرآیند تحولات اقتصادی-اجتماعی و تکامل تدریجی جوامع انسانی سبب ساز شکل گیری نوعی حرکت غیرمعمول جمعیتی می‌شود که از آن تعبیر به مهاجرت معکوس یا بازگشت جمعیت به نواحی روستایی می‌شود. شکل گیری مهاجرت معکوس و حرکت جمعیت از شهرها بسمت نواحی روستایی از کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی غربی، استرالیا، نیوزیلند، کانادا و ژاپن بوده است (فاسمی و نوبخت، ۱۳۹۵: ۴۱). و بتدریج این واقعیت جمعیتی را در بستر مطالعات دموگرافیک و تحلیل‌های مکانی جمعیت وارد نمود. سرآغاز توجه به جریان مهاجرت به نواحی روستایی از اوایل دهه ۱۹۷۰ بوده است. با شکل گیری این تحرک جمعیتی از اوایل دهه ۶۰ و استمرار آن در دهه ۷۰ در برخی کشورهای صنعتی پژوهشگران و صاحبنظران مسائل جمعیتی را متوجه این موضوع بدیع در فرآیند تحولات جمعیتی نمود به طوریکه شهری شدن گسترده در اغلب نقاط دنیا و تحلیل‌های روستا-شهری از جمله مهاجرت به نواحی روستایی می‌باشد. در کنار مباحث دیگر به عرصه مطالعات وارد شده و در خصوص الگوهای حاکم، اثرات و پیامدهای آن و چگونگی مدیریت این جریان جمعیتی تحلیل‌های مناسبی ارایه شود. مهاجرت معکوس به تعابیر مختلفی مطرح و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برون شهرنشینی، شهرنشینی جابجا شوند (امانپور، ۱۳۹۷). جریان ضدشهرنشینی (لوکاس، ۱۳۸۱: ۱۶۶)، و نمادی از «شهرگرایی نواحی روستایی» (Pacion. 1985: 183) نام بده می‌شود. از جریان ضد شهرنشینی تعبیر به فرآیند عدم تمرکز و حرکت از یک وضعیت متمرکز تر به یک وضعیت کم تمرکز می‌شود. ضمن اینکه مهاجرت معکوس را حاصل و نتیجه «تراکم زدایی»، «تغییر رفتار مهاجرتی جمعیت»، «تغییر شرایط اقتصادی و توزیع مجدد اشتغال و سکونت» (فاسمی اردھایی و نوبخت، ۱۳۹۵) و «پایان‌کار و فعالیت و بازگشت به روستا» می‌دانند و برای تطبیق معنایی و مفهومی از اصطلاحاتی مانند: «جمعیت مهاجرشناور» (Hui xu, 2010) و «چرخش جمعیت»، «چرخش به عقب» و «شبه مهاجرت» (Wiltshire. 1979) و مهاجرت چرخشی (Sekiguchi, 2019) استفاده می‌شود. وبالاخره اینکه حرکت جمعیت بسمت نواحی روستایی را نتیجه «تغییر ماهیت در فرآیند مدرنیزاسیون»، «رشد گردشگری و نیاز به گذران اوقات فراغت» نیز می‌دانند. آنچه از تجربه شکل گیری و گسترش مهاجرت معکوس بدست آمده نشان از وضعیت ارگانیک و غیربرنامهریزی شده این حرکت جمعیتی است که با توجه به تغییر شرایط و باز تعریف از شیوه زندگی و سبک کار و فعالیت و همچنین پیدایش نیازهای نوین در عرصه زندگی باعث حرکت جمعیت از شهرها بسمت نواحی روستایی می‌شود. در کشور ما، روستاهای سواحل خزر از اولین مناطق جغرافیایی وقوع این فرآیند انتقال سرمایه بشمار می‌روند. در دهه ۶۰ و ۷۰ عمده کسانی که در قالب گردشگری به این منطقه سفر می‌کردند از امکانات اقامتی (نظیر هتل، مسافرخانه یا مسافر کاشانه‌های موجود) بهره می‌گرفتند. اما از اواسط دهه ۷۰ بدليل ارزانی زمین و مسکن در این مناطق یک جریان خزنده از انتقال سرمایه مازاد در شهرها برای تصاحب زمین و مسکن آغاز شد. در بدو امر برخی نقاط تبلور عینی این حرکت بودند. کلاردشت در مازندران و دیلمان در گیلان از مصادیق بارز این نوع تمرکز سرمایه در روستاهای شمال کشور بوده‌اند که گردشگران را بعنوان مالکین جدید معرفی و زمینه پایایی و استقرار متناوب این متقاضیان نورسیده را در نواحی روستایی فراهم آورد. شتاب فزاینده این حرکت در اواسط دهه ۸۰ آغاز شد و این بار فرآیند خرید زمین-ساخت مسکن و مهاجرت موقت به نواحی روستایی در همه سکونتگاه‌ها اشاعه یافت و تحت تاثیر یک موج فراگیر جغرافیای شمال کشور از لبه ساحل تا سینه کوهستان مورد هجوم متقاضیان زمین و مسکن قرار گرفت. و



مطالعات موردي در اين خصوص نشان داد که الگوی پخش غالب برای اسکان موقعت جمعيت در نواحی ساحلی و جلگه ای و نظام استقرار دائم مهاجرین عموماً در نواحی کوهپایه ایی و کوهستانی بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که در رستاهای شمال متقاضیان اسکان عموماً غیربومی - نقل از خوشفر و دیگران(۱۳۹۱)، رحیم زاده متعدد (۱۳۹۸) ، ملکی و دیگران(۱۳۹۸)، رحمانی‌فضلی و دیگران(۱۳۹۶)، حسانی(۱۳۹۸)، مطیعی‌لنگرودی و دیگران (۱۳۹۰)، ربانی و دیگران(۱۳۹۰)، مهاجران و روستا(۱۳۹۳)- و در سایر نواحی روستایی کشور غلبه با جمعيت بومی بوده است- به نقل از اشتري و دیگران(۱۳۹۵)، امانپور(۱۳۹۷)، افراخته و دیگران(۱۳۹۵)، یعقوبی وزیدی (۱۳۹۷)، پایدار (۱۳۹۸)، قاسمی و دیگران(۱۳۹۳)، میخک و دیگران(۱۳۹۹)، منافی آذر و دیگران(۱۳۹۶)، ابراهیم‌زاده‌آسمین و دیگران(۱۳۹۸)، علی‌بابائی و جمعه پور(۱۳۹۵). عوارض و پیامدهای این نوع جابجایی به مانند هر پدیده ایی از دو منظر قابل بررسی است: از یک زاویه می‌توان در خصوص این موج جابجایی مثبت اندیشی کرد و تبعات حضور(حتی کوتاه مدت) جمعيت در نواحی روستایی را به نفع جامعه بومی و محلی دانست. و از منظر ثانوی می‌توان این جابجایی و حضور کوتاه مدت(یا بلندمدت) را از منظر خطرات و آسیب‌های احتمالی نگریست. آسیب‌شناسی این جریان جمعیتی هم از ابعاد مختلفی امکان‌پذیر است که بعد عینی و ملموس آن «تحلیل کالبدی»، سیما و منظر سکونتگاه‌های روستایی است.

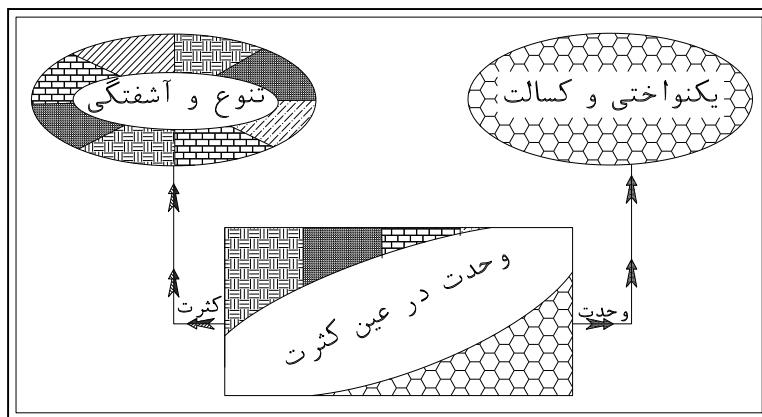


شکل ۱. پیامدهای کالبدی جمعیت شناور در سکونتگاه‌های روستایی

از مهمترین ابعاد حضور و تداوم حضور جمعیت شناور در نواحی روستایی تغییر مالکیت و تصاحب تدریجی این عامل تولید از سوی افراد(عمدتاً) غیر بومی است. واگذاری و فروش زمین که در واقع فروش یا واگذاری حق نسق می‌باشد را می‌توان ناشی از تغییر نسل(عدم رغبت به کار کشاورزی از سوی نسل جوان)، اختلاف شدید هزینه و فایده فعالیت‌های کشاورزی و رضایت به تبدیل زمین به نقدینگی، فشارهای اقتصادی و نیازهای مالی(بویژه نیازهای فوری و زیاد)، نزول بخش کشاورزی بعنوان منع دوم یا سوم درآمد در اقتصاد خانوار، ارتقاء جایگاه اداری و سیاسی روستا از طریق واگذاری زمین به افراد با نفوذ (مدیریت سیاسی بر فضای روستا مسلط می‌شود) و تغییر در منابع قدرت و ثروت در روستا دانست. تغییر مالکیت در نواحی روستایی بانی شکل‌گیری نوعی مالکیت(عموماً غایب از ده) است که باعث می‌شود که اولاً انتقال مالکیت عموماً با تغییر



کارکرد زمین همراه است. ثانیاً ارزش افروده این نقل و انتقال عموماً نصیب روستاییان نمی‌شود. ثالثاً سطح اعتماد و وفاق اجتماعی کاهش یابد و در نتیجه همگرایی و مشارکت ضعیف شود (بین جمعیت بومی و گروه‌های غیربومی) و در نهایت در سیما و منظر روستا تغییر حاصل شود و بافت روستا در مرحله انتقال از سنت به یک وضعیت شبه مدرنیستی قرار گیرد (آمار، ۱۳۹۹: ۷۳). از طرف دیگر در مناطقی که خانه‌های دوم وجود دارد و گسترش می‌یابد دو نوع تبادل جمعیتی بوجود می‌آید. یکی مهاجرت روستایی قبل از پیدایش و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی به دلایل خاص خود و سپس تخلیه شدن خانه‌های روستایی و خریداری شدن آنها توسط شهر نشینان برای مقاصد تفریحی مورد استفاده قرار می‌گیرد و دیگر اینکه ممکن است ناحیه‌ای با داشتن ثبات جمعیتی نیز برای فراغت مورد هجوم افراد ثروتمند قرار گیرد که در این حالت گسترش خانه‌های دوم منجر به مهاجرفرستی می‌شود. (رضوانی ۱۳۸۲: ۶۵). از بعد معماری تنوع و کثرت در فضای یک سکونتگاه موجب به هم ریختگی و اختشاش می‌شود اگرچه وحدت بیش از حد نیز یکنواختی و کسالت بیار می‌آورد. بنابراین در برنامه‌ریزی کالبدی یک فضای سکونتگاهی لازم است تا در عین کثرت عناصر، وحدت ارگانیک یا هندسی آن نیز مدنظر قرار گیرد. یکی از وجوه عینی تغییرات کالبدی در ناحیه آشفتگی ناشی از تکثر معماری و شیوه ساخت بنا است. این تنوع در شکل و سیمای کالبدی باعث ایجاد یک فضای توأم با تکثر - عمدتاً آزار دهنده - در فضای جغرافیایی شده که شدت آن را بیشتر می‌توان در روستاهای مقصد گردشگری و محدوده اطراف آن دید. این در حالی است که برای فرم و نوع معماری در محدوده‌های روستایی استان گیلان ضوابط و مقررات مدون وجود دارد (ذکر به ترکاشوند و راهب، ۱۳۹۰)



شکل ۲- فضای کالبدی یک سکونتگاه

مأخذ: آمار، ۱۳۹۲: ۱۲

جابجایی جمعیت بسمت نواحی روستایی و آسیبهای کالبدی ناشی از آن دستمایه تدوین برخی پژوهش ها فرا گرفته است که به اهم آنها در جدول زیر اشاره می‌شود. همانطور که مقاد جدول نشان می‌دهد رویکرد اصلی در بازتاب این آسیبها در قالب رشد و گسترش خانه‌های دوم است که از دهه ۸۰ و بیویژه دهه نود در متون و منابع جغرافیای روستایی و رشته‌های مرتبط جایگاه ویژه ایی پیدا نموده و همچنان مورد اقبال بسیاری از محققین است و موضوع تغییر مالکیت و تغییر کاربری زمین در نتیجه مهاجرت و جابجایی جمعیت (عمدتاً شهری) بسمت نواحی روستایی از دغدغه‌های مهم پژوهشگران و محققین رشته



های مختلف از جمله جغرافیدانان است. مضافاً اینکه در اغلب بررسیها درهم تنیدگی واژگانی مانند گردشگری، مهاجرت معکوس یا بازگشتی، پیامدهای کالبدی خانه‌های دوم و نظایر آن کاملاً مشهود است که در نتایج و پیامدها اغلب به نقاط مشترکی می‌رسند.

### روش شناسی پژوهش

در این پژوهش که با هدف تحلیل پیامدهای کالبدی جابجایی جمعیت شناور به نواحی روستایی استان گیلان با نجام رسید، در واقع این پرسش اساسی مطرح شد که روند جابجایی جمعیت به نواحی روستایی استان چگونه بوده است؟ و پیامدهای کالبدی این حضور (عمدتاً) وقت در روستاهای استان را در چه مواردی می‌توان تعقیب نمود؟ بر این اساس پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با نجام رسید و از شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات (اسنادی و میدانی) بهره‌گیری شد. در بخش میدانی داده‌های اصلی از متغیرهای تحقیق (تعداد مهاجرین و گونه‌شناسی آن‌ها) از طریق مراجع محلی بویژه دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستا اخذ شده است. تحلیل اطلاعات و ارتباط بین متغیرهای تحقیق نیز بصورت کیفی و از استدلال استقرایی (جز به کل) بهره‌گیری شده است. با توجه باینکه گستره طرح در سطح استان گیلان بوده و تحلیل متغیرهای آن نیاز به اطلاعات دقیق از کلیه روستاهای استان می‌باشد بنابراین در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات از جامعه آماری بصورت تمام شماری بوده است.

### یافته‌های پژوهش

سابقه گرایش به اسکان جمعیت در نواحی روستایی گیلان عمدتاً بواسطه شرایط جغرافیایی استان و تقاضای جامعه شهری و همچنین تبعیت از تنوع اقلیمی (در فصول تابستان و زمستان) در قالب تابستان نشین و زمستان نشین بر می‌گردد. اما بتدریج بویژه در دو دهه اخیر موج تقاضا برای تملک زمین و بر پایی سکونتگاه موقت فراتر از مرزهای اداری-سیاسی استان رفته و مهاجرینی از سرتاسر کشور را روانه استان نمود.



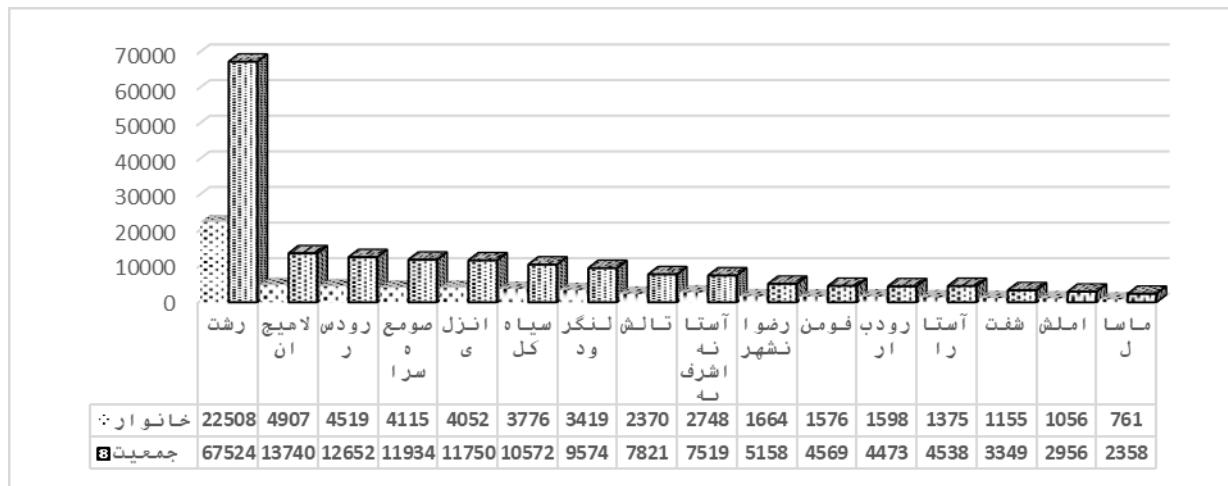
### جدول ۱- برخی از منابع و آثار مرتبط با موضوع این پژوهش

پدیدآورنده (سال)	نام اثر	نتایج و یافته ها
عنابستانی (۱۳۸۸)	بررسی اثار کالبدی خانه های دوم بر توسعه سکونتگاه های روستایی: مطالعه موردی روستاهای بیلاقی شهر مشهد	یافته های تحقیق نشان می دهد که شکل گیری خانه های دوم با پیامدهای کالبدی مانند تغییر کاربری باغات و مزارع، تجاوز به حریم رودخانه ها، و تغییر چشم انداز روستایی همراه بوده، به گونه ای که ۸۶,۵ درصد از خانه های دوم در حاشیه بافت کالبدی یا به صورت محله ای جدید در کار روستایی موجود احداث شده و در ۴۲ درصد موارد، به تغییر کاربری باغات و مزارع انجامیده است.
آمار (۱۳۹۲)	آسیب شناسی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان	دگرگونیهای نظیرتعدد در سبک معماری و جانمایی کاربریها خارج از محدوده تعریف شده، تغییر زیاد در کاربریهای کشاورزی و به حاشیه رفتن فعالیتهای کلاسیک و ریشه دار در نواحی روستایی و همچنین عدم رعایت نظام کاربری اراضی از جمله هجوم جمعیت به نواحی روستایی است
مرادی، بحیرایی و قهرمانی (۱۳۹۳)	نقش خانه های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سمیرم، روستای ونک)	این پژوهش به این نتیجه رسید که گسترش خانه های دوم سبب تغییر بافت سنتی روستا (ساخت مسکن از شکل سنتی به شکل مدرن) تخریب و تغییر کاربری اراضی (باغ ها و مزارع) و تغییر در چشم انداز طبیعی منطقه شده است.
ابراهیمی (۱۳۹۵)	تبیین جایگاه مهاجرت معکوس در بازساخت روستاهای شمال استان اردبیل	مهاجرت به نواحی روستایی در بازساخت این سکونتگاهها از جمله بازساخت کالبدی - فضایی موثر است
عنابستانی، آمار و کاویانی (۱۳۹۵)	تأثیر سبک معماری خانه های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی	یافته های این پژوهش نشان داد که شدت تأثیر متغیر سبک معماری خانه های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی حدود ۲۴ درصد برآورد شده است که بیانگر تأثیر پایین سبک معماری خانه های دوم در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی منطقه می باشد. سبک معماری خانه های دوم، فقط در بعد بهبود خدمات زیربنایی باعث توسعه سکونتگاه‌های روستایی شده است.
یعقوبی، جعفر و طاهره زبیدی (۱۳۹۷)	بررسی انگیزه های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود	یافته های این پژوهش نشان داد که مهاجرت معکوس پیامدهایی چون توسعه شاخصهای عمرانی و سلامتی، افزایش نرخ مشارکت و سرمایه گذاری و آرامش روانی و بهبود ظرفیت اشتغال زایی منطقه بهمراه داشته است.
پایدار (۱۳۹۸)	تحلیل جغرافیایی محرکهای مهاجرت بازگشته شهر زاهدان	نویسنده این مقاله با اذعان به اینکه مهاجرت معکوس پدیدهایی مطلوب است شاخص هایی چون تهیه و اجرای طرحهای کالبدی، محرومیت زیادی و استغایلزایی، کیفیت ارتباطات مجازی، نوع ادراک و نگرش و اندیشه روستاییان در مورد زندگی در روستا در گسترش ابعاد این پدیده موثر می داند
افراخته، منافی آذر و ولایی (۱۳۹۵)	اثرات مکانی - فضایی مهاجرت بازگشته در شهرستان میاندوآب	پیامدهای بازگشت مهاجران شامل نوسازی مسکن روستایی، احیای اراضی کشاورزی، تبدیل اراضی زراعی دیم به بااغی و مکانیزاسیون کشاورزی، توسعه دامپروری، احداث کارگاههای تولیدی و غیره بوده و نوعی بازساخت فضایی را نشان میدهد.
رحمانی فضلی، سجادی و صدیقی (۱۳۹۷)	نقش گردشگری خانه های دوم در تشدید فرآیند کالایی شدن فضای ارائه	رشد و گسترش خانه های دوم در بعد کالبدی واجد پیامدهایی چون تشدید تغییر کاربری زمین، نوسازی خانه های روستایی، و افزایش رضایت از زیرساخت ها و امکانات بوده است.
ملکی، مولایی و قوشی (۱۳۹۸)	اثرات و پیامدهای مهاجرت معکوس در تحولات محیطی - اکولوژیکی و کالبدی روستاهای ساحلی شهرستان رشت	مهاجرت به نواحی روستایی ناحیه مورد مطالعه بر بهبود تاسیسات و تجهیزات روستایی، تغییر کاربری اراضی، تغییر در الگوی ساخت مسکن و معماری، اصلاح و توسعه شبکه معاشر، ساخت فضاهای تفریحی تأثیرگذار بوده است



<p>نتایج تحقیق نشان داد، گردشگری روستایی در ناحیه رضوانشهر دارای تنوع و تفاوت در شدت اثرات بر حسب واحدهای مکانی بوده است. به گونه ای که، اثرات کالبدی گردشگری (خانه های دوم، واحدهای خدماتی، تغیرات کابیری اراضی و قیمت زمین) در محدوده ی ساحلی، شدت بیشتری نسبت به کانون های روستایی در محدوده دشتی و کوهپایه ای دارد.</p> <p>گسترش خانه های دوم زمینه های آسیب پذیری کالبدی همچون تضاد و ناهمگونی در بافت قدیمی روستا و بافت جدید خانه های دوم، افزایش میزان ساخت و سازهای کنترل نشده و بی رویه در سطح روستاهای گردشگرپذیر منطقه و تخریب محیط طبیعی و حرکت به سمت شهری شدن چشم انداز روستایی به ویژه در ساخت و ساز خانه های دوم شده است.</p> <p>یافته های به دست آمده نشان میدهد که تعداد ۱۹۴ مورد تخلف ساختمانی در روستای زیارت صورت گرفته که از این تعداد ۱۴۳ مورد داخل قانونی روستا و تعداد ۵۱ مورد خارج از حریم شکل گرفته است. که عدم برخورد قانونی با متخلفین و دسترسی مناسب روستا به شهر گرگان در بروز این آسیب بیشترین تاثیر را داشته است.</p> <p>این مطالعه نشان داد که بواسطه چالشهای زندگی شهری انگیزه بازگشت در بنگلادش و سنگال مؤثربوده و مجدد در روستاهای نیازمند فرصت هایی است که می بایست در نواحی روستایی ایجاد شود.</p>	<p>تحلیل فضایی اثرات گردشگری بر تحولات کالبدی سکونتگاه های روستایی شهرستان رضوان شهر</p> <p>نقش خانه های دوم در توسعه کالبدی - فضایی سکونتگاه های روستایی بر مبنای رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردي روستاهای کوهستانی شهرستان علی آباد کنول)</p> <p>اثرات ساخت و سازهای غیرمجاز بر قیمت زمین و مسکن روستاهای ییلاقی شهرستان گرگان</p> <p>پاول کاستل و همکاران بازگشت به روستا؟ انگیزه هایی که در ترک روستاهای در بنگلادش و سنگال مؤثربوده و چشم انداز هایی که برای بازگشت باید در نظر گرفته شود.</p>	<p>جوان، افراحته و ریاحی (۱۳۹۸)</p> <p>صحنه، نجفی و نظری (۱۳۹۸)</p> <p>بدراق نژاد، موسی زاده، کریمی و خداداد (۱۳۹۵)</p>
--	---	---

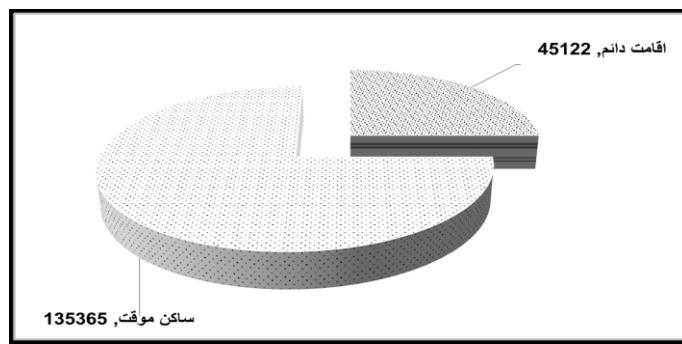
بر اساس آخرین اطلاعات اخذ شده از مدیران روستاهای و جمع بندی آن ۱۸۰۴۶۷ نفر مهاجر در قالب ۶۱۵۹۷ خانوار احصاء شده اند که شهرستان رشت با ۶۷۵۲۴ نفر حدود ۳۷,۴ درصد از کل مهاجرین ورودی به نواحی روستایی استان را پذیرا شده و در روستاهای خود اسکان داده است. این موضوع با توجه به مرکزیت اداری- سیاسی استان، موقعیت جغرافیایی روستاهای شهرستان، قابلیت ها و مزیت های بهتر این روستاهای، و همچنین تعدد نقاط روستایی قابل توجیه است. روستاهای شهرستان لاهیجان با ۷,۶ درصد و روسری با ۷,۰۱ درصد در رده های بعدی قرار دارند. با توجه به شکل ۳، بنظر می رسد بین موقعیت جغرافیایی شهرستان های استان و ضریب برخورداری روستاهای از خدمات و تسهیلات زیر بنایی با میزان اسکان مهاجرین رابطه وجود دارد. بطوريکه چهار شهرستان آخر این رده بندی را می توان در دو مشخصه فوق مشترک دید. چرا که اولاً روستاهای این ۴ شهرستان به لحاظ برخورداری یا دسترسی به خدمات و امکانات در زمرة ضعیف ترین شهرستان های استان محسوب می شوند ضمن اینکه به لحاظ ارتباطی دچار ضعف های اساسی هستند. نکته قابل توجه دیگر در این اطلاعات توزیع جغرافیایی مهاجرین با توجه به وضعیت طبیعی مناطق است. ۶۴ درصد اسکان مهاجرین در محدوده جلگه ایی استان و منطبق بر شهرستان های رشت، لاهیجان، انزلی، آستانه اشرفیه، لنگرود و رضوان شهر استقرار دارند که منطقه داغ اسکان محسوب می شود.



شکل ۳: میزان جمعیت شناور در نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک شهرستان

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸

از میزان جابجایی و مهاجرت به روستاهای استان گیلان و بر اساس اطلاعات میدانی اخذ شده ۲۵ درصد اقامت دائم و ۷۵ درصد نیز اقامت موقت دارند(که در این پژوهش تحت عنوان جمعیت شناور لحاظ شده است) بخش عمده ایی از مهاجرینی که اقامت دائم دارند شامل مهاجرین بازگشته هستند که به مبدا حرکت



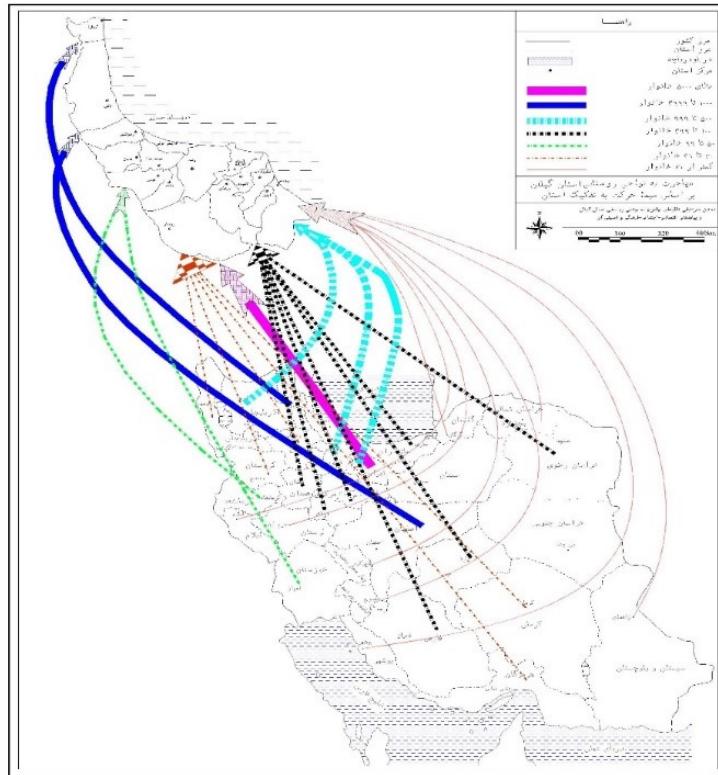
شکل ۴- توزیع جمعیت شناور در سکونتگاه‌های روستایی گیلان بر اساس مدت اقامت

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸

یا یکی از روستاهای نزدیک به محل تولد یا اقامت خود در روستا بازگشته اند. و از طرف دیگر مهاجرینی که اقامت دائم دارند عموماً شامل جابجایی‌های معکوس(از شهر به روستا) هستند. مطالعات میدانی این پژوهش نشان داد که نظام اسکان و استقرار مهاجرین در استان بر حسب مبدا حرکت تفاوت‌هایی را با یکدیگر نشان می دهد. منطقه تهران(شامل استانهای تهران، قم و البرز) ۵۷/۷ درصد از کل مهاجرین را بخود اختصاص داده است. منطقه اصفهان با ۸/۷ درصد، استان قزوین ۷/۱ درصد و منطقه آذربایجان با ۴/۲ درصد در رده های بعدی قرار دارند. اگر منطقه خزری و استان سمنان(با ۱/۳ درصد) به مجموعه سه منطقه فوق(جز منطقه اصفهان) اضافه نماییم. این چهار منطقه در مجموع ۷۰/۳ درصد از کل مهاجران و جابجایی‌های ثبت شده

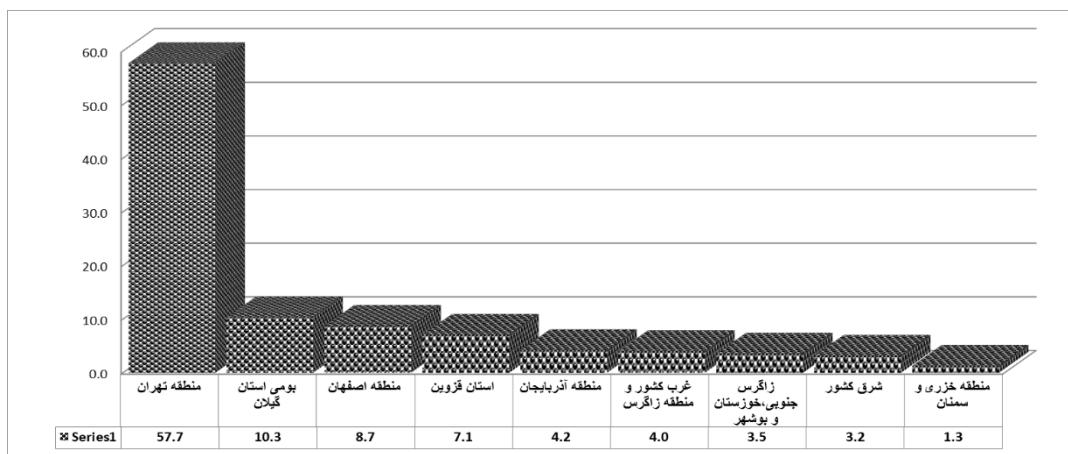


در روستاهای استان را شامل می‌شوند. این موضوع تاکید بر متغیر فاصله و تاثیر آن بر کشش مهاجرتی بسمت روستاهای گیلان می‌باشد.



شکل ۵- حرکت و جابجایی جمعیت شناور به روستاهای استان به تفکیک مبدأ و مقصد

مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸



شکل ۶- توزیع جغرافیایی خاستگاه مهاجرین به نواحی روستایی استان گیلان به تفکیک مبدأ حرکت

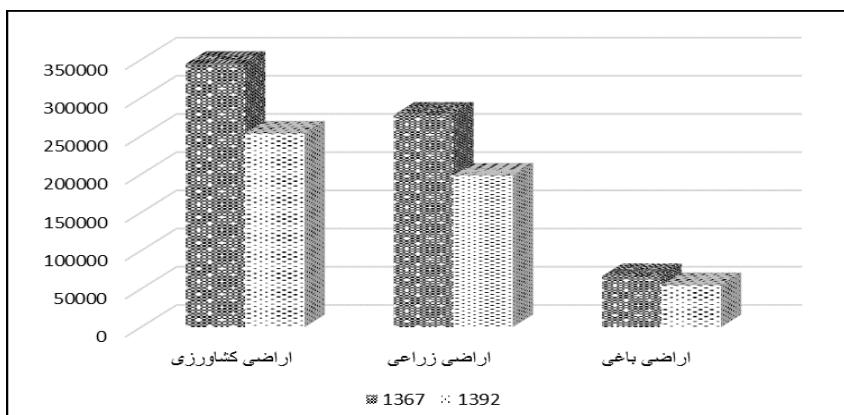
مأخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸



حدود ۱۵/۴ درصد از کل مهاجرین از مناطق گرمسیری کشور و از استانهای مرکزی، شرقی و جنوبی بسمت گیلان حرکت نموده و بصورت موقت یا دائم در این سکونتگاهها استقرار یافته‌اند. البته از ۹ استانی که خاستگاه مهاجرین از استانهای گرم و خشک کشور محسوب می‌شوند اصفهان (۸/۷ درصد) و استان فارس با ۲ درصد از کل مهاجرین بیشترین تعداد جابجایی‌ها را بسمت گیلان داشته‌اند. و بالاخره ۱۰/۳ درصد از جابجایی‌های موقت و عمده‌ای دائم بسمت روستاهای استان منشأ داخلی داشته و در قالب مهاجرتهای روستابه روستا و شهر به روستا قابل تفکیک و بازشناسی هستند. جمعیت شناور و آسیبهای کالبدی ناشی از آن: تردد و حضور موقت یا دائم جمعیت شهری یا غیربومی در نواحی روستایی استان پیامدهایی بدنبال دارد که بعد «کالبدی» آن از همه ملموس‌تر و عینی‌تر است. این پژوهش در قالب آسیبهای مربوط به نظام کالبدی و چشم انداز روستاهای استان گیلان به موارد زیر رسید.

الف) تغییر در کاربری زمین و چشم انداز روستاهای:

همانطور که در مباحث قبلی نیز مذکور شدیم نواحی روستایی استان گیلان از چند دهه گذشته بدلیل شرایط ممتاز جغرافیایی خویش مورد توجه مهاجرین قرار گرفته و با گسترش ابعاد این پدیده اثرات مکانی-فضایی ویژه‌ای که بر جای مانده که یکی از بارزترین آنها تغییر روبه تراوید کاربری اراضی است. نتایج حاصل از سرشماری‌های رسمی کشور نشان می‌دهد که در فاصله دو سرشماری کشاورزی (۱۳۶۷ و ۱۳۹۲) حدود ۲۷ درصد از اراضی کشاورزی استان کاسته شده و روند تغییر کاربری‌ها همچنان ادامه دارد.



شکل ۷- میزان اراضی کشاورزی استان گیلان به تفکیک دو سرشماری ۱۳۶۷ و ۱۳۹۲

جمعیت شناور و درخواست برای کاربری مسکونی را می‌توان صحنه گردان اصلی تغییر کاربری زمین در استان گیلان دانست و در این فرآیند ابعاد این موضوع بواسطه متغیرها و مشخصات زیر گستردگی شود (آمار، ۱۴۰۰، ۹۶ و ۹۵).

۱) نزدیکی استان به مرکز کشور و علاقه به داشتن فضای اقامتی مناسب در عرصه‌های ساحلی، حاشیه جنگل‌ها، مراتع و اراضی کشاورزی جهت گذراندن اوقات فراغت. خاستگاه مهاجرین ورودی به استان گیلان و نحوه استقرار آنها در سکونتگاه‌های روستایی استان نشان می‌دهد که منطقه تهران (شامل استان‌های تهران، قم و البرز) ۵۷/۷ درصد از کل مهاجرین را بخود اختصاص داده است.



(۲) عدم توجیه اقتصادی فعالیت‌های بخش کشاورزی اولًاً بدلیل افزایش هزینه‌های تولید و ثانیاً بدلیل افزایش بی‌رویه قیمت زمین به علت وجود متقاضیان خرید و تغییر کاربری تولیدی به مسکونی. اساس اطلاعات جمع آوری شده علاوه بر ۶۱۵۹۷ خانوار که به روستاهای استان گیلان مهاجرت و بصورت موقت یا دائم اسکان دارند، حدود سنت هزار مورد خرید زمین توسط غیربومیان در سطح روستاهای شناسایی شده که هنوز ساخت و سازی در آن‌ها انجام نشده است.

(۳) مزیت‌های اکوتوریستی روستاهای گیلان و انگیزه تصاحب ملک و مسکن از سوی جمعیت شناور. بر مبنای اطلاعات اخذ شده از ساکنان غیربومی در روستاهای استان انگیزه ۹۰ درصد افرادی که به قصد اقامت موقت یا دائم به سمت روستاهای گیلان حرکت می‌کنند برخورداری از مزیتهای طبیعی، و اکوتوریستی است.

(۴) بروز تنفس آبی در استان‌های خشک و نیمه‌خشک کشور. براساس یافته‌های این پژوهش ۱۵/۴ درصد از مهاجرین از استان‌هایی هستند که دارای تنفس آبی (استانهای مرکزی و جنوبی کشور) هستند.

(۵) پیوندهای اجتماعی و فرهنگی مهاجرین که شکل گیری جایجایی شبکه ایی را در استان باعث شده است. مطالعات میدانی این پژوهش نشان داد که مسائل اجتماعی بویژه پیوندهای اجتماعی تا ۷۰ درصد در انتخاب محل اقامت (کوچگاه) موثر بوده است (آمار، ۱۳۹۹: ۱۵۸).

علاوه بر موارد فوق عدم تامین زیر ساخت‌های اساسی بخش کشاورزی بویژه تامین آب، ضعف در اجرای برنامه آمایش سرزمین و فقدان هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی به ویژه ارائه خدمات زیر بنایی (آب، برق، گاز و تلفن) برابع این موضوع دامن می‌زند و باعث آسیب‌های زیر می‌شود:

#### جدول ۲. آسیب‌های ناشی از تغییر کاربری زمین در نواحی روستایی استان گیلان

ردیف	آسیب‌های اقتصادی	آسیب‌های اجتماعی-فرهنگی	آسیب‌های کالبدی	آسیب‌های زیست محیطی
۱	افزایش کاذب قیمت زمین	رواج فرهنگ غیربومی	کوچک شدن قطعات زراعی	افزایش زباله
۲	ایجاد انگیزه برای فروش بیشتر و تغییر کاربری زمین	تضعیف روابط گروهی و اجتماعی	افزایش تراکم ساختمانی	تخرب منابع طبیعی
۳	کاهش تنوع کارکردی روستاهای	کاهش همیشگی	عدم همچوانی عناصر کالبدی جدید با بافت قدیمی	کاهش فضای سبز
۴	افزایش فعالیتهای غیر تولیدی	تغییر در منابع قدرت	تغییر بافت فیزیکی روستاهای	تغییر چشم انداز طبیعی روستاهای

مانند: مطالعات میدانی پژوهش



ب) تغییر مالکیت و شکل گیری مالکیت غایب از ده : گرایش به سمت تملک اراضی روستایی توسط شهرنشینان و افراد خارج از روستا (مهاجر) یکی از واقعیت‌های بدیع سکونتگاه‌های روستایی می‌باشد. تغییرات مالکیت اراضی سکونتگاه‌های روستایی به نوعی سرریزشدن بخش از سرمایه‌ها و جمعیت به سوی روستاهای می‌باشد. با توجه به اطلاعات جمع آوری شده ۶۱۵۹۷ خانوار بصورت شناور به استان رفت و آمد دارند. اگر میانگین زمین تملک شده این تعداد خانوار هزار مترمربع به ازای هر خانوار باشد در واقع ۶۱۶۰۰ متر مربع (۶۱۶۰ هکتار) در اختیار این افراد قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های همین پژوهش ۶۰ هزار مورد خرید زمین در استان انجام شده که هنوز ساخت و سازی در آن انجام نشده است (آمار، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

با احتساب هزار مترمربع به ازای هر خانوار در مجموع ۶۰۰۰ هکتار زمین در این زمینه دچار تغییر مالکیت و مالاً تغییر کاربری شده یا خواهد شد. از طرف دیگر از کل بهره برداران فعلی روستاهای استان (۳۰۲ هزار بهره بردار) حدود ۲۰ درصد (۶۰۴۰۰ بهره بردار) در شهرها زندگی می‌کنند. میانگین زمین برای هر بهره بردار در استان ۱,۴ هکتار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳)، که با احتساب آن می‌توان گفت که تقریباً ۸۴۵۶۰ هکتار از اراضی استان در اختیار مالکین ساکن شهرها قرار دارند. در مجموع ۹۶۷۲۰ هکتار از اراضی استان گیلان در اختیار مالکین قرار دارد که ساکن روستا نیستند و این رقم ۲۵ درصد از کل اراضی مولده استان را شامل می‌شود و این روند پر شتاب با سرعت غیرقابل باوری در حال گسترش است. مطالعات میدانی این پژوهش با بررسی گسترده در روستاهای استان نشان داد که تغییر مالکیت زمین در روستاهای دست به دست شدن آن از «ساکنان بومی» به «مهاجرین متقارضی» ابعادی بسیار عمیق تر از یک انتقال ثبتی یا عرفی است:

- تغییر مالکیت بجز در مواردی بسیار نادر مساوی با تغییر کاربری زمین است که تبلور آن در تغییر کارکرد این منبع طبیعی است. مقایسه آمار سرشماری کشاورزی سال ۱۳۶۷ و ۱۳۹۲ استان گیلان نشان از کاهش ۳۳ درصدی اراضی کشاورزی (مرکز آمار ایران) را می‌دهد که قطعاً بخش زیادی از این تغییر تحت تاثیر این جمعیت شناور بوده است.
- با تغییر مالکیت منابع قدرت در روستاهای استان در حال جابجا شدن است. این جابجایی از یک قدرت کلاسیک مبتنی بر مالکیت زمین جای خود را به قدرت ناشی از انباشت نقدینگی می‌دهد که بعضاً سر از تولید در بخش‌های غیر کشاورزی در می‌آورد و عمدهاً جذب فعالیتهای غیر رسمی و غیر تولیدی می‌شود.
- کارکرد سکونتگاه‌های روستایی در استان گیلان تغییر می‌یابد. بطوریکه نقش اقتصادی روستاهای بعنوان یک کارکرد غالب تولیدی جای خود را به کارکرد سکونتی می‌دهد و روستا تبدیل به سکونتگاهی می‌شود که بواسطه مزیتهای محیطی وارتباطی مورد توجه مهاجرینی می‌شود که یا به قصد گذران اوقات فراغت یا استراحت دوران بازنیستگی به قصد اقامت موقت یا دائم به سوی آن گرایش پیدا می‌کنند.

- عوارض کالبدی تغییر کاربری زمین در سکونتگاه‌های روستایی استان عموماً در مواردی چون کوچک شدن قطعات زراعی، افزایش تراکم ساختمانی، عدم همخوانی عناصر کالبدی جدید با بافت قدیمی، و تغییر بافت فیزیکی روستاهای تبلور یافته است. و سرانجام اینکه انحصار فضا شدت می‌یابد و بهره برداری از منابع تولید از یک شیوه اجتماعی و همگرا بسمت یک شیوه انحصاری میل کرده و منجر به نوعی «آپارتاید» در استفاده از منابع خواهد شد.



ب) رشد خانه‌های دوم و آشتفتگی در معماری و ساخت و ساز: براساس اطلاعات استخراج شده از سرشماری‌های رسمی کشور در طی ده سال اخیر تعداد جمعیت روستایی استان از ۱۱۰۹۱۰۴ نفر به ۹۲۷۶۶۰ نفر (۱۶/۳ - درصد) کاهش داشته است. در حالیکه نرخ تغییر واحدهای مسکونی در سکونتگاه‌های روستایی استان ۶۷ درصد رشد داشته است و از ۲۷۱۵۳۵ واحد به ۸۲۴۴۲۳ واحد مسکونی رسیده است. بر اساس مطالعات میدانی این پژوهش دو نکته در این خصوص جلب توجه می‌کند: اولاً اگرچه نظام خانوار در نواحی روستایی از وضعیت گسترده به خانوار هسته ایی تغییر یافته و بخشی از این تغییر محسوس در واحدهای سکونتی را می‌توان در استقلال تدریجی خانوارهای روستایی بویژه زوج‌های جوان جستجو کرد لیکن این افزایش در بخش زیادی از روستاهای تحت تاثیر جمعیت شناور و ساخت و سازی رویه در نواحی روستایی استان است و نکته دوم رواج تدریجی بلند مرتبه سازی و رشد عمودی مسکن در مناطق روستایی استان است. بر اساس پژوهش حاضر مهترین دلیل این موضوع به کمبود زمین و میل به استفاده حداثتی از این عامل طبیعی است که تدریجیاً در مناطق روستایی نیز ظهور و گسترش این پدیده سکونتی را شاهد هستیم. بر اساس آخرین سرشماری رسمی کشور از کل واحدهای مسکونی در روستاهای استان ۲۸۴۰۳۶ واحد (۳۴/۴ درصد) یعنی بیش از ثلث واحدهای مسکونی را سازه‌های دو طبقه و بالاتر را شامل می‌شود.

### جدول ۳. تغییرات جمعیت و واحدهای مسکونی در روستاهای استان گیلان در طی سه سرشماری اخیر

شرح	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	درصد تغییر (۱۳۹۵-۱۳۹۰)
تعداد واحدهای مسکونی	۲۷۱۵۳۵	۲۸۴۹۱۳	۹۲۷۶۶۰	-۱۶/۳
تعداد جمعیت	۱۱۰۹۱۰۴	۹۳۸۷۰۴	۹۲۷۶۶۰	-۱۶/۳

مأخذ: سالنامه آماری استان (۱۳۹۸) و مطالعات میدانی (۱۳۹۹)

برآیند این وضعیت در روستاهای استان تغییرات گسترده در نظام کالبدی و تغییر شکلی و محتوایی در اجزا و عناصر این سکونتگاه در طی سال‌های اخیر است که بر اساس مطالعات میدانی این پژوهش مصاديق آنرا در موارد زیر می‌توان یافت:

- افزایش ساخت و ساز و گسترش لجام گسیخته کاربری مسکونی
- عدم رعایت بافت کالبدی در طرح هادی
- آشتفتگی در منظر و سیمای کالبدی روستاهای
- دو گانگی الگوی زیستی (در قالب بومی و غیر بومی)
- تغییر در ساختار سنتی روستا و برهم خوردن نظام کالبدی مبتنی بر عرف و سنت

ج) تخلفات ساختمانی: این موضوع را می‌توان در ردیف مهمترین آسیبهای کالبدی ناشی از گرایش جمعیت شناور به ساخت و ساز در نواحی روستایی استان دانست. بر اساس مطالعات میدانی این طرح مهمترین تخلفات ساختمانی در روستاهای استان گیلان عبارتند از:

- احداث بنا بدون پروانه (۶۴ درصد)



- عدم رعایت قوانین مربوط به سطع اشغال و بروز آسیب‌هایی نظیر تراکم اضافی و ارتفاع اضافی( ۲۲ درصد)
- امتناع از عقب نشینی در جوار راههای ارتباطی و نادیده گرفتن قانون( ۵,۵ درصد)
- تغییر کاربری زمین بدون طی کردن تشریفات قانونی( ۵ درصد)
- عدم رعایت حرایم و احداث بنا در مناطق ممنوعه( ۳,۵ درصد) (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان، ۱۳۹۹: ۱۶۰).

وقوع این تخلفات در واقع معلول یکسری عوامل است که در بروز آنها موثر است. نتایج بررسی این پژوهش با توجه به مصاحبه و مذاکره با مسئولین محلی و مردم این عوامل را بصورت زیر مشخص نمود:

- ◀ عدم انجام تشریفات قانونی در صدور جواز ساخت. بارزترین شکل این آسیب در صدور جواز ساخت برای مهاجرین از سوی دهیاران بدون انجام استعلامات قانونی از مراجع ذیربطر(بویژه بنیاد مسکن، منابع طبیعی، سازمان آب و امور اراضی و...) می باشد
- ◀ عدم آگاهی مهاجرین از فرآیند ساخت بنا
- ◀ عدم هماهنگی بین سازمانهای ذیربطر در احداث بنا(بویژه در خصوص ارائه خدمات و تسهیلات)
- ◀ خرید و فروش غیرقانونی زمین
- ◀ ارائه اطلاعات غلط به مهاجرین و متقاضیان ساخت بنا در روستاهای از سوی افراد بومی(بویژه فعالین بخش زمین و مسکن) که بدنبال سودجویی و سوء استفاده از ناآگاهی مهاجرین هستند.
- ◀ فعالیت غیرقانونی برخی مدیران محلی در فرآیند ساخت بنا(فروش زمین، تغییر کاربری، اخذ صوری جواز ساخت و احداث بنا). این موضوع شاید مهمترین آسیب موجود در بروز تخلفات ساختمانی در سکونتگاه‌های روستایی استان باشد که نیازمند نظارت بیشتر و برخورد قاطع با متخلفان است.

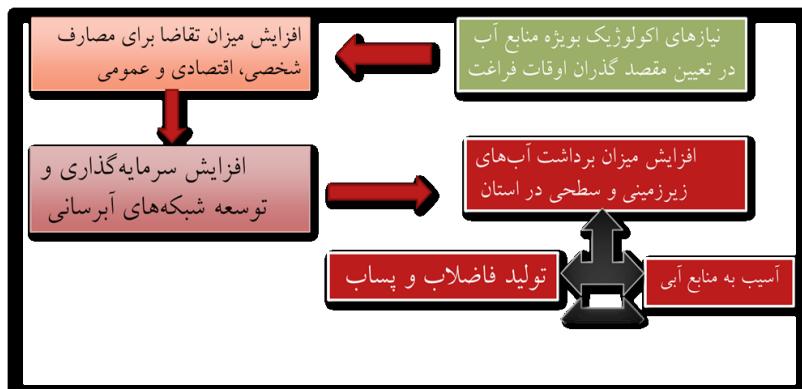
عدم تعادل بین زیرساختهای استان و جمعیت: از دیدگاه تخصصی زیرساخت‌های اصلی به چند گروه عمده شامل: حمل و نقل(زمینی، هوایی، دریایی)، سیستم‌های مخابراتی و ارتباطی، تامین انرژی(برق، گاز و سوخت‌رسانی) و مدیریت منابع و مصارف آب می‌شود. گرچه در این خصوص نیاز به یک مطالعه تخصصی و بنیادین وجود دارد لیکن در طی مطالعات میدانی و مصاحبه با بخشداران و مدیران محلی زیرساخت‌های استان کاف جمعیت ثابت و شناور استان را نمی‌دهد و بویژه این مشکل در نیمه اول سال بیش از پیش نمایان است. نگاهی عمیق‌تر به یکی از این مهمترین این زیرساخت‌ها(یعنی منابع آب) این عدم تعدل را بهتر نشان خواهد داد.

بر اساس برآورد میزان مصرف سرانه آب در ایران حداقل ۱۶۰ و حدکثر ۲۵۰ لیتر به ازای هر نفر می‌باشد و میزان تولید پساب ۸۵ درصد مصرف آن می‌باشد(مهدی پور، ۱۳۸۹: ۱۱۵)، به نقل از سازمان حفاظت محیط زیست، (۱۳۸۵). استان گیلان با دارا بودن ۹۲۷۶۰ نفر جمعیت روستایی و با توجه به متوسط سرانه مصرف آب (۲۰۰ لیتر برای هر نفر) می‌باشد تقریباً ۱۸۵ میلیون متر مکعب آب سالم در روز برای جمعیت ساکن منطقه لازم دارد. میزان آب مورد نیاز برای هر مهاجر بویژه مهاجرین موقت (براساس مدل اکولوژیک توریسم غیرمنمرکز) ۵ الی ۱۲ لیتر در روز می‌باشد. با توجه به اطلاعات و آمار دریافتی از روستاهای



استان گیلان در سال ۱۳۹۹، تعداد مهاجرین در نواحی روستایی بالغ بر ۱۸۰۴۸۷ نفر بوده است با این برآورد به طور متوسط در هر روستا ۵۷ نفر بطور موقت یا دائم ساکن هستند که البته اوج آن در روزهای جمعه، روزهای تعطیل و در دو فصل تابستان و بهار می‌باشد.

با در نظر گرفتن میزان مصرف سرانه آب برای هر گردشگر به طور روزانه در حدود ۵ الی ۱۲ لیتر (بر اساس مدل اکولوژیک توریسم غیر متمرکز) بنابراین به طور میانگین ۴/۰۲ متر مکعب آب در هر روز برای مهاجرین این استان لازم است که در مجموع ۶۳۴۶۹۳ لیتر در روز است. بر این اساس آب موردنیاز در روستاهای استان برای ساکنان و مهاجرین در هر روز ۱۵۷۷۸۹۴۹۰ متر مکعب پس از تولید پسابها که ۸۵ درصد آب مصرفی می‌باشد میزان ۱۸۵۶۳۴۶۹۴ متر مکعب در هر روز در روستاهای استان تولید می‌شود که وارد محیط می‌گردد. یکی از راههای تامین آب در استان ساخت سد بر روی رودخانه‌ها و ذخیره سازی آب است که البته بعنوان یک راهکار عمرانی تبعات زیادی را بهمراه خواهد داشت. پیش‌بینی شده است که با توجه به برنامه ششم توسعه در استان گیلان ۱۶ سد در مدار بهره‌برداری قرار گیرد. با این تعداد سد، ۳ هزار و ۹۰۰ میلیارد مکعب آب را مدیریت خواهد شد که در این صورت استان گیلان یکی از استان‌های ثروتمند و پایدار در تامین آب خواهد بود. البته این در صورتی است که بافت جمعیتی گیلان تغییر نکند. در غیر اینصورت اگر این بافت به صورت ناموزون حرکت کند برای تامین آب با مشکل روبرو خواهد شد (پورتال شرکت آب منطقه‌ای گیلان، ۱۳۹۷). با توجه به اطلاعات نسبتاً دقیقی که از میزان مهاجران بدست آمد و جهت‌های جغرافیایی اسکان آنها در استان نیز تا حدودی مشخص شد، گام بعدی پاسخگویی به نیازهای این حجم از جمعیت بویژه فضا و دیگر مایحتاج اولیه به‌ویژه آب می‌باشد. مطالعات میدانی این پژوهش دورنمای یک بحران را در نواحی روستایی گیلان به‌ویژه در فصل تابستان به واسطه کمبود آب گوشزد می‌کند؛ چراکه منابع آب موجود که اغلب شامل چشمه‌های طبیعی و هدایت آنها به داخل شبکه‌های توزیع می‌باشد کفاف جمعیت روبه افزایش و عدمتای غیربومی و شناور را نمی‌دهد و به‌دلیل آنکه مطالعه دقیقی از «ظرفیت تحمل» و «توازن منابع با جمعیت» انجام نشده، این بحران به مرور خود را نشان خواهد داد و مدیران نیز با توجه به مقطعی بودن این معضل اراده جدی برای حل آن ندارند؛ بنابراین توصیه می‌شود در اسرع وقت در زمینه استقرار و اسکان جمعیت در نواحی کم آب استان تجدید نظر شده یا در نحوه خدمات‌رسانی به این نواحی به‌ویژه آب شرب بازنگری اساسی صورت پذیرد.



شکل-۸- سیکل عدم تعادل بین جمعیت و منابع آب و پیامدهای ان



## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در چند دهه گذشته استان گیلان اشکال مختلفی از مهاجرت جمعیتی را تجربه کرده است که مهاجرت از سایر مناطق کشور (خصوصاً جنوب و مرکز کشور) به استان در یک دهه اخیر افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. به طور کلی دو رویکرد به مسئله مهاجرت به استان گیلان می‌توان در نظر داشت. اول برخورد منفی با این امر و مقابله با مهاجرت که در این رویکرد بر جنبه‌های منفی ناشی از مهاجرت از سایر مناطق کشور به استان گیلان تاکید می‌شود. در این زمینه می‌توان به افزایش نرخ بیکاری، تغییر الگوهای فرهنگی، تغییر کاربری اراضی، تخریب محیط زیست و... اشاره نمود. در رویکرد دوم مهاجرت به عنوان امری غیرقابل اجتناب دیده می‌شود و چنین نظری وجود دارد که ایرانیان برای سکنی گزیدن در هر منطقه از کشور از آزادی کامل برخوردار هستند و این امر استان گیلان را مستثنی نمی‌سازد. علاوه بر این مهاجرت می‌تواند با ورود سرمایه انسانی و مادی اثرات مثبت اقتصادی و کالبدی قابل توجهی همراه باشد. آنچه که در این میان غیر قابل مذاکره به نظر می‌رسد ضرورت هدایت آن در جهت صحیح به منظور کاهش مضرات ناشی از مهاجرت به استان و بهره‌گیری از مزایایی است که ممکن است به همراه داشته باشد بنابراین تمسک به راهکارهای زیر می‌تواند راهگشا باشد:

- امکان‌سنجی مناطق مستعد اسکان با در نظر گرفتن قابلیت‌های موجود در راستای توزیع متوازن مهاجرین و اسکان آنها

در نواحی روستایی

- تعامل و هماهنگی بین دستگاه‌های ذیربیط در راستای ساماندهی زمین در استان
- بازنگری در تهیه طرح‌های کالبدی(بویژه طرح هادی) و حتی فراتر از آن شیوه تهیه و اجرای طرح هادی در استانهای شمالی بصورت منطقه‌ای و با دستورالعمل‌های متفاوت از کل کشور
- توجه به قانونمندیهای محیطی در قالب اسکان جمعیت در روستاهای بویژه تعیین محدوده‌های پرخطر سکونت و پرهیز جدی از صدور مجوز برای ساخت مسکن و استقرار جمعیت
- ممانعت ورود به عرصه‌های ملی(جنگلها و مراتع) و تغییر کاربری آنها به نفع لابی‌های قدرت، ثروت و سیاست.
- جریانهای فشاری که با دور زدن قانون و انحصاری کردن اراضی ملی بیشترین لطمeh را به توسعه پایدار روستایی در استان گیلان وارد می‌کنند.
- باززنده‌سازی الگوهای معماري روستایی از تلفیق مصالح سنتی و مدرن بمنظور رجوع به اصالت سکونت در روستاهای بازگشت هویت به نظام اسکان و استقرار در نواحی روستایی.



## منابع و مأخذ

- (۱) ابراهی زاده آسمین، حسین، اشتربی مهرجردی، ابذر، و اسلامی، ایمان (۱۳۹۸). مهاجرت معکوس روستایی با تغییر سبک زندگی شهری. *فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲(۱): ۱۶۹-۱۸۶.
- (۲) ابراهیمی، اسماعیل (۱۳۹۵). جایگاه مهاجرت معکوس در بازساخت روستاهای شمال استان اردبیل. *فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی*، ۸(۴): ۱۷۳-۱۹۲.
- (۳) اشتربی مهرجردی، ابذر، میرزا ای، حسین، فیروزآبادی، سیداحمد، و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناسنخنی خانه‌های دوم در ایران و پیامدهای آن (مطالعه موردی: شهرستان فراهان). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۲۸، ۴۷-۷۵.
- (۴) افراخته، حسن، ولایی، محمد، و منافی آذر، رضا (۱۳۹۵). اثرات مکانی -فضایی مهاجرت بازگشته در شهرستان میاندوآب. *مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی*، شماره ۱۳، ۸۳-۹۸.
- (۵) آمار، تیمور (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی کالبدی توسعه گردشگری در سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان (مطالعه موردی: بخش دیلمان شهرستان سیاهکل). *فصلنامه اقتصاد فضای توسعه روستایی*، ۲(۱): ۱۷۱-۱۹۲.
- (۶) آمار، تیمور (۱۳۹۹). تحلیل جغرافیایی مهاجرت به نواحی روستایی استان گیلان و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و امنیتی آن، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان.
- (۷) آمار، تیمور (۱۴۰۰). تحلیل مهاجرت و تحرک مکانی به نواحی روستایی استان گیلان. *نشریه مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی*، ۵(۲): ۷۹-۱۰۳.
- (۸) آمار، تیمور، کاویانی، سمیرا، و عنابستانی، علی اکبر (۱۳۹۵). تاثیر سبک معماری خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۱(۳۴): ۳۳-۵۲.
- (۹) امانپور، سعید (۱۳۹۷). شناسایی و الیت‌بندی عوامل موثر بر شکل‌گیری مهاجرت بازگشته (مورد شناسی: بخش مرکزی شهرستان ذرفول). *مجله جغرافیا و آمایش شهری*، شماره ۲۹، ۳۷-۶۰.
- (۱۰) بدراق‌نژاد، ایوب، موسی‌زاده، حسین، و خداداد، مهدی (۱۳۹۶). اثرات ساخت و سازهای غیر مجاز بر قیمت زمین و مسکن روستاهای بیلاقی شهرستان گرگان. *فصلنامه اقتصاد فضای توسعه روستایی*، ۶(۲۲): ۱۴۷-۱۶۴.
- (۱۱) برومندزاده، محمدرضا، و نوبخت، رضا (۱۳۹۲). مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۸۹ و ۹۰، ۷۳-۹۰.
- (۱۲) پایدار، ابوذر (۱۳۹۸). محرک‌های مهاجرت بازگشته را در روستاهای پیرامون شهر زاهدان. *دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری*، ۶(۱۵): ۱۹-۳۸.
- (۱۳) ترکاشوند، عباس، و راهب، غزاله (۱۳۹۰). گونه‌شناسی و تدوین خصوابط و احکام مسکن روستایی استان گیلان.



- (۱۴) حسانی، جلال الدین (۱۳۹۸). جرم‌شناسی چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مهاجرت به استان گیلان. نشریه پژوهش‌های جغرافیای اجتماعی، شماره ۳۲، ۱۳-۳۱.
- (۱۵) خوش‌فر، غلامرضا، جوادی‌نیا، علی، و رضایی‌دانش، یونس (۱۳۹۲). مطالعه جریان‌های مهاجرتی و عوامل موثر بر آن در استان مازندران، فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۱(۴): ۱۷۶-۱۴۷.
- (۱۶) رحمانی‌فضلی، عبدالرضا، سجادی، ژیلا، و صدیقی، صابر (۱۳۹۷). نقش گردشگری خانه‌های دوم در تشدید فرآیند کالایی شدن فضای مطالعه‌موردی: عرصه‌های روستایی شهرستان محمودآباد. فصل‌نامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۷(۲۷): ۵۶-۸۲.
- (۱۷) رحیم‌زاده‌متخد، علی (۱۳۹۸). بحران آب و مهاجرت از مناطق خشک به استان گیلان و افزایش آسیب‌های اجتماعی. نشریه پژوهش‌های جغرافیای اجتماعی، شماره ۲۹، ۲۳-۳۲.
- (۱۸) رضایی، احمد (۱۳۸۴). تنوع فرهنگی در استان گیلان. فصل‌نامه مطالعات ملی، ۱(۶): ۱۲۱-۱۴۰.
- (۱۹) رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲). تحلیل روند ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۵، ۵۹-۷۳.
- (۲۰) روستا، زهراء، ربانی، رسول، و طاهری، زهرا (۱۳۹۰). بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تاثیر آن بر توسعه اجتماعی-اقتصادی (مطالعه‌موردی: مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر). فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۲): ۸۳-۱۰۸.
- (۲۱) ریاحی، وحید، جوان، فرهاد، و افراخته، حسن (۱۳۹۸). تحلیل فضایی اثرات گردشگری بر تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان رضوانشهر، فصل‌نامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۴(۱۳): ۵۷-۷۰.
- (۲۲) سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۹۳). نتایج تفضیلی سرشماری کشاورزی سال ۱۳۹۲، معاونت آمار و اطلاعات.
- (۲۳) سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (۱۳۹۸). تحلیل شاخص‌های جمعیتی کشور و استان گیلان، معاونت آمار و اطلاعات.
- (۲۴) صحنه، بهمن، نجفی‌کانی، علی‌اکبر، و نظری، لیلا (۱۳۹۸). نقش خانه‌های دوم در توسعه کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی بر مبنای رویکرد معیشت پایدار (مطالعه‌موردی: روستاهای کوهستانی شهرستان علی‌آباد کتول). فصل‌نامه جغرافیا و روابط انسانی، شماره ۲، ۵۰-۱۰۳.
- (۲۵) علی‌بابایی، مجتبی، و جمعه‌پور، محمد (۱۳۹۵). فرآیندوالگویی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان حاجیلو شهرستان کبودراهنگ). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۵(۴): ۹۱-۱۰۶.

- (۲۶) علیزاده، تیمور، منافی آذر، رضا، قاسمی اردھایی، علی، عبدالله، ولائی، محمد(۱۳۹۶). مهاجرت بازگشته و پیامدهای آن بر سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردي: بخش باروق شهرستان میاندوآب، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲(۳۸): ۱۷۹-۱۹۷.
- (۲۷) عناستانی، علی‌اکبر(۱۳۸۸). بررسی آثار کالبدی خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی: مطالعه موردي روستاهای بیلاقی شهر مشهد. فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۴، ۱۴۹-۱۶۶.
- (۲۸) قاسمی اردھایی، علی، ونوبخت، رضا(۱۳۹۵). علل و تعیین کننده های جریان‌های مهاجرت معکوس در ایران. فصلنامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۱(۲۱): ۴۳-۸۲.
- (۲۹) لوکاس، دیوید، و میر، پاول(۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمیتی، ترجمه دکتر حسین محمودیان انتشارات دانشگاه تهران.
- (۳۰) مرادی، محمود، بحیرایی، حمید، قهرمانی، سارا(۱۳۹۲). نقش خانه‌های دوم بر توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردي شهرستان سمیرم. فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، ۴(۲۴): ۳۳-۴۲.
- (۳۱) مطیعی لنگرودی، سیدحسن، غدیری معصوم، مجتبی، رضوانی، محمدرضا، نظری، عبدالله‌حسید، و صحنه، بهمن (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاهادر بهبود معیشت ساکنان. نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۳(۷۸): ۶۷-۸۴.
- (۳۲) ملکی، زهرا، مولایی هشتچین، قرشی میناباد، محمد باسط(۱۳۹۸). نقش مهاجرت معکوس در تحولات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی روستاهای ساحلی شهرستان رشت. فصلنامه جغرافیا(برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۴): ۵۸۷-۶۱۲.
- (۳۳) مهاجرانی، علی‌اصغر، روستا، زهرا(۱۳۹۳). بررسی مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی و سیاسی در روستاهای شهرستان‌های تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران، نشریه مطالعات جامعه شناسی شهری، شماره ۱۳، ۱۹۴-۱۶۷.
- (۳۴) مهدی‌پور، صدیقه(۱۳۸۹). پیامدهای زیست محیطی گردشگری در محدوده لونک-دیلمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنمای: تیمور آمار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، گروه جغرافیا.
- (۳۵) یعقوبی، جعفر، وزیدی، طاهره(۱۳۹۷). بررسی انگیزه‌های مهاجرت معکوس و پیامدهای آن در روستاهای شهرستان ایجرود استان زنجان. نشریه پژوهش‌های روستایی، ۹(۲): ۱۹۶-۲۰۹.
- (۳۶) میخک، حسین، حافظی، فرشته، و صادقلو، طاهره(۱۳۹۹). تحلیل علل و انگیزه‌های مهاجرت بازگشته در میان مهاجران روستایی (مورد مطالعه: شهرستان خرم‌آباد). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۱۱(۴۲): ۲۷۰-۲۸۵.
- 37) Castle, P., Bastawy., S.(2018). *Back to the village? Motivations for leaving and prospects for return Rural-urban migration in Bangladesh and Senegal*
- 38) Hui Xu(2010). *Return Migration, Occupational Change, and Self-Employment, China Perspectives [En ligne]*, 2010,



- 39) Pacion, m (1985). *Rural Geography*, Harpper and Row Publishers.
- 40) Sekiguchi., T.(2019). *The Effects of Differences in Individual Characteristics and Regional Living Environments on the Motivation to Immigrate to Hometowns: A Decision Tree Analysis*, Applied sciences , N9
- 41) Wiltshire., R.(1979). *Research on reverse migration in japan:reverse migration and the concept of "U-Turn"*, tohoko university repository.

